



پیش از آن که : قبل از آن که

پسرک : پسر کوچک

خودرو : ماشین

مسیر : راه

نصحیت : پند و اندرز

احتیاج دارم : نیاز دارم

مطمئن شوی : یقین پیدا کنی

بلافاصله : بدون درنگ و معطلی

سرنگون شدن : واژگون شدن

مراقبت کردن : نگهداری

محصول : حاصل

خطوط : خط ها

سیم پیام : سیم تلفن

رگبار : باران تند و درشت

تازیانہ : رشته از چرم که برای زدن استفاده

می شد

آشنا : دوست

تامل کن : فکر کن

تحمل کن : صبر کن

نرمی : مهربانی

ملایم : آرام

آسیب دیده : مجروح

کم کمک : آرام آرام

پا گرفت : استوار شد و رشد کرد

نام یافت : نامیده شد

واژگان هم خانواده:

عبور: عابر ، معابر
فکر: فکور ، تفکر ، افکار

سالم: سلامت ، سلیم
خبرک اخبار ، مخبر

خطوط: خط ، خطاط
تشکر: شکر ، شکور ، شاکر

پیمودن مسافتی : طی کردن راهی

ویلون : ساز موسیقی

به دل پسرک نشست : کنابه پسرک از آن

صدا خوشش آمد

مایل بود : میل داشت

مدارک : مدرک ها و درجه های علمی

غلام : بنده

محنت : رنج ، درد

نیازموده : تجربه نشده

در نهاد : آغاز کرد

ملاطفت : مهربانی

ملک : پادشاه

آزرده : رنجیده

حکیمی : طیبی

طریق : راه و روش

خامش : مخفف خاموش و ساکت

غایب : پایان ، نهایت

کرم : لطف

باری چند : چند باری

غوطه خورد : غرق شد

جامه : لباس

سکان : وسیله ای برای هدایت کشتی

برآمد : بالا آمد وارد کشتی شد

پسندیده آمد : پذیرفت

حکم : دانش ، دلیل خردمندانه

واژگان معالف:

آشنا # غریبه

ملايم # تند

زیاد # کم

زیر # رو

محکم # سست

دوست # دشمن

خم # راست

آسان # سخت

بزرگ # کوچک

بالا # پایین

نا امید # امیدوار

خارج # داخل

روز # شب

سالم # بیمار

ثروت # فقر

عاقبت # آغاز

کمترین # بیشترین